

شرکت‌های نظامی و امنیتی خصوصی و حقوق بشردوستانه: جایگاه و مسئولیت

لیلا رئیسی^۱ - عبدالنعیم شهریاری^۲

تاریخ دریافت: ۹۲/۶/۲۷

تاریخ تصویب: ۹۲/۹/۲۱

چکیده

رشد روزافزون شرکت‌های نظامی و امنیتی خصوصی و فعالیت و حضور آنها در صحنه درگیری‌های مسلحانه سبب شده تا مسائل بسیاری بویژه در خصوص وضعیت این شرکت‌ها و پرسنل آنها به موجب حقوق بشردوستانه و مسئولیت آنها در صورت نقض قواعد حقوق بشردوستانه مطرح گردد. برای تعیین وضعیت این شرکت‌ها و پرسنل آنها باید به صورت موردی با توجه به معیارهای مربوطه‌ی حقوق بین‌الملل بشردوستانه مشخص گردد که آیا نظامی تلقی می‌گردند یا در دسته غیرنظامیان جای دارند. در رابطه با بحث مسئولیت نیز این شرکت‌ها در صورت نقض قواعد حقوق بشردوستانه، مسئول و پاسخگو شناخته می‌شوند. اما باید توجه داشت که در کنار شرکت‌ها، دولت‌های مرتبط با آنها یعنی دولت متبوع،

۱. استادیار و عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات اصفهان raeisi.leila@gmail.com

۲. دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات اصفهان و عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد بندر عباس shahriari137@gmail.com

دولتی که از خدمات این شرکت‌ها استفاده می‌کند و دولتی که شرکت در سرزمین آن به فعالیت می‌پردازد نیز در مواردی مسئولیت‌هایی در قبال اعمال آنها پیدا می‌کنند.

واژگان کلیدی: شرکت‌های نظامی و امنیتی خصوصی، مزدوری، حقوق بین‌الملل بشردوستانه

مقدمه

جامعه جهانی در دو دهه اخیر شاهد تغییر جهت چشمگیری به سمت خصوصی‌سازی جنگ یا به بیان بهتر خصوصی‌سازی جنگیدن بوده است. از یک سو با پایان جنگ سرد، دولت‌ها برای کمک به عملیات نظامی فرامرزی خود به سوی شرکت‌های خصوصی و استفاده از آنها روی آورده‌اند و از سوی دیگر، نقش این بازیگران غیردولتی در مخاصمات مسلحانه و دیگر وضعیت‌های خصمانه به شدت گسترش یافته است، به نحوی که بیش از پیش اقدامات و فعالیت‌هایی که در گذشته کاملاً در حوزه انحصاری نیروهای دولتی بود و توسط آنها انجام می‌شد، امروزه توسط این شرکت‌ها به انجام می‌رسد، فعالیت‌های مهمی از قبیل بازجویی‌ها، حفاظت از ادوات نظامی، آموزش نیروها، گردآوری اطلاعات و در مواردی حتی اجرای عملیات دفاعی و تهاجمی نظامی. دولت‌ها در موارد بسیاری، به دلایل و با اهداف مختلف، این امور را به این بازیگران غیردولتی که در یک عنوان کلی شرکت‌های نظامی و امنیتی خصوصی نامیده می‌شوند، واگذار می‌کنند. البته این موضوع تنها محدود به دولت‌ها نمی‌شود و سازمان‌های غیردولتی، شرکت‌های فراملی و سازمان‌های بین‌المللی از جمله ناتو نیز از مشتریان این شرکت‌ها هستند.

اما با تهاجم نظامی ایالات متحده به عراق در سال ۲۰۰۳ بود که پدیده خصوصی‌سازی سهم چشم‌گیری را در ارائه خدمات امنیتی و نظامی در صحنه درگیری‌ها به خود اختصاص داد. با این حال باید توجه داشت که گرچه حضور این شرکت‌ها در عراق و افغانستان بود که سبب‌ساز توجه زیاد جامعه جهانی به آنها شد، اما نقطه پیدایش این پدیده را نمی‌توان محدود به این امر کرد. در واقع منطق خصوصی‌سازی پیشینه‌ای طولانی دارد. از یک سو واگذاری اقدامات نظامی در واقع دنباله‌رو تجربیات درازمدت دولت‌ها در استفاده از مزدوران می‌باشد، و از سوی دیگر بکارگیری شرکت‌های خصوصی در واقع شکل تکامل یافته استفاده از پیمانکاران خصوصی در حمایت از نظامیان و تامین برخی خدمات از جمله خدمات حمل و نقل، امور تغذیه یا اداری می‌باشد. بنابراین مشاهده می‌شود که این پدیده چندان هم جدید نیست، صرفاً شکل گسترده‌تر و پیچیده‌تری به خود گرفته است (Kinsey, 2006: 96).

به هر روی در حالیکه استفاده از شرکت‌ها دارای مزایای بسیاری برای دولت‌ها و سازمان‌ها بوده است، امروزه حضور بسیار گسترده‌ی آنها و نیز ماهیت اقداماتی که انجام می‌دهند باعث بروز برخی نگرانی‌ها و لذا توجه جامعه جهانی به آنها بویژه از منظر حقوق بشردوستانه شده است. بدین ترتیب این بررسی مختصر به چند مساله مهم در خصوص این شرکت‌ها می‌پردازد. البته باید توجه داشت که تمرکز عمده ما بر ملاحظات پیرامون آنها در ارتباط با حقوق بشردوستانه است، و دیگر جنبه‌های مربوط به آنها که ممکن است در خارج از این حوزه مطرح باشد، بحثی است که در فراخور این بررسی نیست. به عبارت دیگر آنچه مدنظر ماست، صرفاً بررسی و مذاقه در رابطه با این شرکت‌ها در

هنگامی است که آنها در جریان مخاصمات مسلحانه حضور پیدا کرده‌اند و فعالیت می‌کنند.

لذا این نوشتار ابتدا به صورت مقدماتی به بررسی علل رشد این شرکت‌ها و انواع مختلف آنها از منظر خدماتی که ارائه می‌دهند پرداخته و سپس به جایگاه و وضعیت آنها به موجب قواعد حقوق بشر دوستانه می‌پردازد، چه از این منظر است که می‌توان حقوق و تکالیف آنها در جریان مخاصمات را معین کرد. باید دید آیا این شرکت‌ها و پرسنل آنها رزمنده هستند یا غیرنظامی یا اینکه در دسته مزدوران جای می‌گیرند. سپس در مبحث بعد به بررسی مسئولیت بین‌المللی این شرکت‌ها و تعهدات دولت‌ها در این خصوص پرداخته می‌شود.

مبحث نخست: انواع شرکت‌ها

تاکنون تلاش‌های بسیاری به منظور تقسیم‌بندی این شرکت‌های خصوصی صورت گرفته است و اغلب سعی شده است که میان شرکت‌های نظامی خصوصی و شرکت‌های امنیتی خصوصی تفکیک ایجاد شود به این معنا که خدمات شرکت‌های نظامی خصوصی در حوزه عملیات نظامی و تهاجمی است در حالیکه شرکت‌های امنیتی خصوصی خدمات خود را در حوزه عملیات دفاعی و حمایت و حفاظت از افراد و اموال ارائه می‌دهند.^۱ تقسیم‌بندی دیگری نیز از این شرکت‌ها بر اساس نوع خدماتشان صورت می‌گیرد که مطابق آن این شرکت‌ها به سه دسته تقسیم می‌شوند: شرکت‌های تامین‌کننده (military provider firms)، شرکت‌های

۱. اما به نظر میرسد این تفکیک تا حدی دچار ابهام است چراکه بدلیل وضعیت خاص و پیچیدگی عملیات تدافعی ممکن است این عملیات دارای تبعات تهاجمی نیز باشند و این که آیا یک عمل دفاعی یا حمله محسوب می‌شود باید مورد به مورد بررسی گردد چراکه غالباً عملیات نظامی ترکیبی از هجوم و دفاع هستند. رک: (Shearer, 1998: 6-25).

مشورت دهنده (consultant firms) و شرکت‌های حمایتی (military support)، بدین صورت که دسته نخست در خط مقدم فرماندهی نیروها را بر عهده دارند، دسته دوم خدمات مشورتی و آموزشی ارائه نموده و شرکت‌های نوع سوم خدماتی از قبیل حمل و نقل نیروها و تهیه غذای سربازان و نظیر آن را ارائه می‌دهند (نجفی، ۸۸: ۲۵-۸۸). بنابراین این شرکت‌ها را با توجه به خدماتی که ارائه می‌دهند می‌توان به سه دسته کلی تقسیم بندی نمود (Lilly, 2002:2).

الف- تامین خدمات امنیتی و مشارکت فعال در درگیری‌ها

در این دسته، شرکت طرف قرارداد امنیت اشخاص، اموال و اماکن حائز اهمیت را تعهد می‌کند. در رابطه با این نوع خدمات، همانطور که در بالا نیز ذکر شد، عده‌ای معتقدند که اقدامات این دسته صرفاً دفاعی است و به هیچ وجه بعد تهاجمی و یا مشارکت مستقیم به خود نمی‌گیرد. اما همانگونه که ذکر شد، نمی‌توان این ادعا را قابل قبول خواند، چراکه در مواردی ممکن است دفاع خود مستلزم دست بردن به اقدام تهاجمی باشد (عسکری، ۸۶: ۱۲). ضمن آنکه در حقوق بشردوستانه چنین تفکیکی وجود ندارد و حتی اگر برای دفاع نیز توسل به زور صورت گیرد ممکن است به منزله مشارکت مستقیم محسوب گردد.^۱

ب- خدمات مشورتی، آموزشی و برنامه‌ریزی

دسته دیگر شرکت‌ها، آنهایی هستند که به مشاوره، آموزش و برنامه‌ریزی برای نیروهای مسلح می‌پردازند (Singer, 2004:12). به عنوان نمونه در سال ۱۹۷۵، یک شرکت امنیتی خصوصی آمریکایی (Vinnel Corporation) با عقد قراردادی به مبلغ ۷۷ میلیون دلار، آموزش گارد ملی عربستان سعودی را به عهده

۱. خدمات دیگری که این دسته ارائه می‌دهند و در واقع چالش‌برانگیزترین زمینه فعالیت‌های آنها می‌باشد، مشارکت فعال آنها در مخاصمات است که نمونه واضح آنها را می‌توان در عراق و افغانستان مشاهده کرد. رک (Holmqvist, 2005: 3-8)

گرفت و در ادامه فعالیت‌های خود در این کشور، آموزش‌های مربوط به دفاع ضد سلاح شیمیایی و ترفندهای ضد اطلاعاتی را به قوای مسلح این کشور به عهده گرفت^۱

ج) خدمات پشتیبانی

این گروه به پشتیبانی عملیات و اقدامات نظامی می‌پردازند که از آن میان می‌توان به اموری از قبیل آشپزی، نظافت، مخابرات، حفظ و نگهداری سیستم‌های تسلیحاتی و خدمات حمل و نقل اشاره کرد. در سال ۲۰۰۴، چهار نفر از افراد یکی از معروف‌ترین این شرکت‌ها به نام بلک واتر، به هنگام حمل‌مواد غذایی برای قوای مسلح، کشته شدند (Singer, 2004: 12).

مبحث دوم: وضعیت، حقوق و تعهدات کارکنان این شرکت‌ها بر اساس

حقوق بشردوستانه

همانطور که مشاهده شد، این شرکت‌ها از منظر خدماتی که ارائه می‌دهند به گروه‌های مختلفی تقسیم می‌شوند. اما نکته قابل توجه آن است که این تقسیم‌بندی چندان کمکی به تعیین وضعیت آنها به موجب حقوق بشردوستانه نمی‌کند. از سوی دیگر عده‌ای معتقدند که حقوق بین‌الملل در رویارویی با این شرکت‌ها ناکارآمد است و نمی‌تواند وضعیت حقوقی آنها را تعیین نماید. اما باید گفت گرچه در معاهدات مربوطه در حوزه حقوق بشردوستانه سخنی از آنها به میان نیامده است، اما می‌توان با توجه به اقداماتی که کارکنان آن شرکت‌ها انجام می‌دهند، وضعیت حقوقی آنها را مشخص کرد. در واقع هم چاره‌ای جز آن نیست، در هر حال باید دید آیا این افراد در زمره نظامیان تلقی می‌شوند یا غیرنظامی

۱- این شرکت‌ها همچنین به برنامه‌ریزی برای نیروهای مسلح کشورها اشتغال دارند. برای مثال در سال ۱۹۹۴، دولت کرواسی طی قراردادی با یکی از این شرکت‌ها، برنامه‌ریزی برای افزایش توان و ظرفیت نیروهای مسلح خود را به این شرکت واگذار کرد

هستند. پاسخ بدین موضوع در واقع روشن‌کننده وضعیت آنها در جریان مناصمات و حقوق و تکالیفی خواهد بود که به موجب قواعد حقوق بشردوستانه برای رزمندگان و غیرنظامیان در نظر گرفته شده است (-Cockayne,2009:402). اگر این افراد نظامی محسوب شوند همواره این امکان وجود دارد که مورد حمله نظامی قرار گیرند و حق مشارکت مستقیم در جنگ را خواهند داشت و در صورت دستگیری از وضعیت اسیر جنگی برخوردار خواهند بود. حال آنکه چنانچه وضعیت غیرنظامی بر آنها بار شود هیچ‌گاه نباید مورد حمله قرار گیرند اما اگر در مناصمات شرکت کنند این مصونیت را از دست خواهند داد و در صورت دستگیری وضعیت اسیرجنگی را نخواهند داشت (Wolf,2006:333). بنابراین به طور خلاصه پاسخ بدان از سه جهت حائز اهمیت است: نخست اینکه مشخص می‌کند آیا می‌توان آنها را به عنوان اهداف نظامی مشروع مورد حمله قرار داد؛ دوم اینکه آیا می‌توانند در مناصمات به طور مستقیم مشارکت کنند و سوم آنکه به دلیل شرکت در مناصمات تحت تعقیب کیفری قرار نگیرند و در صورت دستگیری از وضعیت اسیر جنگی برخوردار گردند (نجفی، ۲۷: ۱۳۸۸-۲۸). اما در رابطه با وضعیت پرسنل این شرکت‌ها دیدگاه دیگری نیز وجود دارد که توجه و بررسی آن پیش از تعیین نظامی یا غیرنظامی بودن آنها ضروری می‌نماید. این افراد، در بسیاری از موارد، بویژه در مطبوعات و رسانه‌های عمومی، عمدتاً با اشاره به دستمزد بسیار هنگفتی که دریافت می‌کنند، به عنوان مزدور خوانده می‌شوند. بنابراین عده‌ای معتقد هستند که این افراد را باید در دسته مزدوران قرار داد و لذا در هیچ یک از گروه نظامیان یا غیرنظامیان جای نمی‌گیرند؛ حتی برخی با دسته‌بندی مزدوران در گروه‌های مختلف، شرکت‌ها را نیز یکی از گروه‌های زیرمجموعه مزدوری می‌خوانند. بنابراین، بدلیل اهمیت این امر و ارتباطی که

ممکن است میان این پدیده و پدیده مزدوری وجود داشته باشد، لازم است که در اینجا به بررسی این امر پرداخته شود. بدین منظور ابتدا مختصراً در رابطه با پدیده مزدوری و تعریف آن سخن گفته می‌شود و سپس تلاش می‌شود تا ببینیم آیا می‌توان عناصر موجود در تعریف مزدوری را بر این افراد نیز بار کرد و آنها را در دسته مزدوران جنگی جای داد.

الف- پدیده مزدوری

۱- تفاوت‌های مزدوری با شرکت‌های خصوصی

نخستین تفاوت میان این دو در ماهیت آنهاست. مزدوران اغلب افرادی بوده‌اند که در جنگ به کار گرفته می‌شدند و چه بسا ممکن بود افراد مجرم یا نظامیان سابق باشند و هیچ حمایت یا پشتیبانی تجاری نداشته باشند. حال آنکه شرکت‌های امنیتی و نظامی خصوصی، شرکت‌هایی هستند که به طور کاملاً قانونی در یک کشور ثبت و ایجاد می‌شوند و برای خود سازمان، دفتر و شعب خاص دارند و بطور گسترده خدمات خود را تبلیغ می‌کنند. لذا از این منظر، در حالیکه گفتمان‌ها در خصوص مزدوری عمدتاً بر ممنوعیت آن متمرکز بوده است در رابطه با این شرکت‌ها صحبت از ضابطه‌مندی می‌شود تا ممنوعیت آنها (Palou-Loverdos, 2011: 21). تفاوت دیگر، به لحاظ پرسنل است این شرکت‌ها نیروهای خود را از نظامیان سابق و نیروهای مشغول در نهادهای مجری قانون تامین می‌کنند و کارمندان آنها ضرورتاً افراد خارجی نیستند که در خارج از خاک کشور برای جنگ به کار گرفته شوند، بلکه ممکن است از میان تبعه کشور محل فعالیت شرکت یا در صورت وجود یک درگیری مسلحانه، از میان تبعه یک طرف درگیری یا ساکنین یا تبعه سرزمین تحت کنترل آن طرف باشند. معمولاً نیروهای

یک چنین شرکتی شامل: الف) تبعه دولت متبوع شرکت، ب) تبعه دولت میزبان، ج) افراد تبعیدی که ممکن است تبعه یا ساکن دولت‌های الف یا ب باشند، و د) تبعه یک دولت ثالث که عمدتاً از کشورهای در حال توسعه می‌باشند. و آخرین تفاوت اینکه، طیف فعالیت‌های انجام‌شده توسط شرکت‌ها بسیار گسترده‌تر از مزدوران است که تنها برای شرکت در جنگ‌های خارجی به کار گرفته می‌شوند. امروزه فعالیت‌های شرکت‌ها از تامین خدماتی ساده همچون تامین تغذیه، خدمات درمانی و حمل و نقل فراتر رفته و فعالیت‌های پلیسی، آموزش نیروهای نظامی، امنیتی، اطلاعاتی، راه‌اندازی، حفاظت و نگهداری از سلاح‌ها و فناوری‌ها و بسیاری اقدامات دیگر را دربر می‌گیرد (Palou-Loverdos, 2011:22).

۱- تعریف پدیده مزدوری و بررسی قابلیت اعمال آن بر پرسنل شرکت‌ها:

در رابطه با تعریف مزدوری می‌توان به پروتکل اول الحاقی به کنوانسیون-های ژنو اشاره نمود. این سند ابتدا در بند ۱ ماده ۴۷ خود مقرر می‌دارد که: «مزدوران از حق این که به عنوان رزمنده و یا اسیر جنگی تلقی شوند، محروم می‌باشند». سپس در بند ۲ مزدوری را چنین تعریف می‌کند که: «مزدور کسی است که: الف) به صورت محلی یا بین‌المللی برای جنگیدن در مخاصمه مسلحانه استخدام شده باشد، ب) به طور عملی در مخاصمه مشارکت مستقیم نموده باشد، ج) انگیزه وی از مشارکت در مخاصمه، کسب سود شخصی بوده و در عمل نیز از جانب طرف مخاصمه یا به نمایندگی از آن، وعده پرداخت دستمزد به همان صورتی که به رزمندگان خود آن طرف مخاصمه در شرایط برابر پرداخت می‌شود، دریافت نموده باشد، د) تبعه طرفین مخاصمه و یا مقیم قلمرو کنترل‌شده توسط یکی از متخاصمین نباشد، ه) عضو نیروهای مسلح یکی از طرفین متخاصم محسوب نگردد، و) از طرف هیچ کشوری به عنوان عضوی از نیروهای مسلح آن

کشور و در مقام انجام وظایف سازمانی خویش، برای شرکت در مخاصمه فرستاده نشده باشد». حال باید دید آیا می‌توان پرسنل این شرکت‌ها را مزدور تلقی کرد. طبیعی است که نمی‌توان پاسخی مطلق و واحد مبنی بر شمول آنها تحت دسته مزدوران یا عدم شمول آنها داد. تعریف موجود در ماده ۴۷ ایجاب می‌کند که برای اینکه فردی مزدور تلقی شود باید تمامی شش شرط مذکور موجود باشد.^۱ در رابطه با شروط الف و ب که مقرر می‌دارند که فرد مشخصاً برای جنگیدن در مخاصمه به کار گرفته شود و در درگیری‌ها مشارکت مستقیم داشته باشد، باید گفت که به ندرت می‌توان امکان تحقق آن را در مورد شرکت‌ها متصور شد (Gillard, 2006: 569)،^۲ اما شرط «ج» یعنی انگیزه کسب سود شخصی و مالی شرطی است که می‌توان آن را در مورد این شرکت‌ها نیز صادق دانست.

بند چهارم شرط دیگری است که عمده‌ی پرسنل این شرکت‌ها را از دایره این تعریف مستثنی می‌دارد، چه همانگونه که در قسمت معرفی شرکت‌ها ذکر شد، پرسنل این شرکت‌ها می‌توانند تبعه طرفین مخاصمه یا مقیم قلمرو تحت کنترل یکی از آنها باشند. بنابراین مشاهده می‌شود که شرط «د» نیز نمی‌تواند در رابطه با پرسنل این شرکت، یا حداقل تمامی پرسنل آن، تحقق

۱- تحقق چنین وضعی آنقدر نادر است که برخی نویسندگان به کنایه ابراز داشته‌اند که چنانچه مزدوری نتواند با توجه به این تعریف محدود خود را از دایره شمول این تعریف مستثنی سازد، همان به که خود به همراه وکیلش کشته شود. این موضوع در مورد شرکت‌ها نیز صادق است و به سختی می‌توان هر شش شرط مذکور را برای پرسنل آنها جاری کرد.

۲- نمونه‌های موجود در افغانستان و عراق نشان می‌دهد که اکثر این شرکت‌ها مشخصاً برای جنگیدن استخدام نشده بودند، بلکه هدف از بکارگیری آنها عمدتاً ارائه خدمات لجستیکی و پشتیبانی به نیروها بوده است. به علاوه آنکه، هرچند این شرکت‌ها اغلب، به صورت مسلح، به ارائه خدمات امنیتی به نهادهای مختلف علاوه بر دولت‌ها می‌پردازند، اما این فعالیت‌های آنها را نمی‌توان به راحتی مشارکت مستقیم در درگیری‌ها تلقی نمود. حتی اگر هم آنها مشارکت مستقیم بدانیم، نمی‌توان به راحتی پذیرفت که در زمان استخدام آنها از سوی دولت امکان توسل آنها به زور مدنظر بوده باشد و دست بردن آنها به اسلحه در چنین مواردی اغلب واکنش به وضعیت موجود در منطقه یا محل فعالیت آنها می‌باشد.

یابد (Gillard, 2006: 569). عنصر مهم دیگر در تعریف مزدور مقرر می‌دارد که فرد مزدور نباید عضو نیروهای مسلح یکی از طرفین متخاصم باشد. این عنصر در رابطه با این شرکت‌ها و پرسنل آنها نیز صادق می‌باشد، مگر آنکه، همانگونه که در ادامه ذکر خواهد شد، بتوان آنها را عضو نیروهای مسلح یک طرف متخاصم، مطابق با کنوانسیون سوم، بدانیم. امری که نمی‌توان چندان آن را متصور شد، بویژه آنکه اساساً یکی از دلایل شکل‌گیری و رشد این شرکت‌ها سیاست دولت‌ها در کاستن از هزینه‌های نظامی و واگذاری امور به این شرکت‌ها می‌باشد. بنابراین وارد ساختن آنها در بدنه نیروهای مسلح خود، به معنای بازگشت آنها به همان وضعیت سابق و احیای هزینه‌های سابق خواهد بود، لذا نمی‌توان تصور کرد که این شرکت‌ها به راحتی عضو نیروهای مسلح یک کشور تلقی شوند. بنابراین می‌توان مشاهده کرد که اگر در برخی موارد می‌توان کارمندان شرکت‌ها را مزدوران تلقی نمود، در بسیاری موارد دیگر به دلیل اینکه نمی‌توان هر شش شرط مذکور در ماده ۴۷ را در مورد آنها احراز کرد، مزدور دانستن آنها ممکن نیست (Chesterman & Lehnardt, 2007: 148).

ب- کارکنان شرکت‌ها به عنوان رزمنده:

برای پاسخ به این امر باید دید مقصود از رزمنده یا فرد نظامی چیست تا مشخص شود که آیا می‌توان پرسنل این شرکت‌ها را نظامی محسوب کرد. عبارت نظامی به طور عمده دو معنا دارد: اعضای نیروهای مسلح دولتی متعلق به یکی از طرفین درگیر که در یک مخاصمه مسلحانه شرکت می‌کنند یا اعضا نیروهای داوطلب و شبه نظامی تشکیل‌دهنده بخشی از نیروهای مسلح، و اعضای سایر نیروهای نظامی مانند جنبش‌های مقاومت وابسته به یکی از طرفین درگیر به شرط دارا بودن شرایطی از قبیل اینکه: تحت فرماندهی فردی باشند که مسئول رفتار ماموران

مادون خود است، دارای علایم و مشخصات خاص خود باشند و آشکارا به حمل سلاح پردازند و عملیات را بر اساس عرف و قواعد جنگی انجام دهند (نجفی، ۱۳۸۸: ۲۸-۲۷).

۱- اعضای نیروهای مسلح یک دولت:

در درجه اول این اعضای نیروهای مسلح دولتی هستند که نظامی محسوب می‌شوند. بنابراین در نگاه اول تنها پرسنل شرکت‌هایی را می‌توان نظامی خواند که توسط دولت‌ها به خدمت گرفته شده‌اند، لیکن از آنجا که اکثر قراردادهای میان شرکت‌ها و مشتریانی به غیر از دولت‌ها منعقد می‌گردند، لذا تنها موارد خاصی از این عنوان بهره خواهند برد. گرچه قواعد حقوق بشردوستانه به روشنی وضعیت نیروهای مسلح دولتی را به عنوان افراد نظامی معین کرده است، اما مشخص نموده است که چه کسی می‌تواند به عنوان عضوی از نیروهای مسلح قلمداد گردد و همچنین معلوم نیست که چه شرایطی موجب می‌گردد که افراد داوطلب و شبه نظامی به عنوان بخشی از نیروهای مسلح محسوب می‌گردند. هرچند ماهیت فعالیت‌هایی که این افراد انجام می‌دهند می‌تواند در احراز شرکت در مخاصمات تعیین کننده باشد، اما در تعیین عضویت آنها در نیروهای مسلح نقشی نخواهد داشت. از سوی دیگر صرف وجود یک قرارداد نمی‌تواند سبب شود که این شرکت‌ها را نظامی بدانیم بلکه علاوه بر آن باید به ماهیت فعالیت‌های آنها نیز توجه داشت و احراز شود که آیا این فعالیت‌ها منجر به شرکت مستقیم در جنگ می‌شود یا خیر. لذا دو موضوع را باید در نظر گرفت، وجود نوعی ارتباط از قبیل قرارداد و ماهیت فعالیت‌هایی که پرسنل انجام می‌دهند. بطور کلی برخی از دلایلی که می‌تواند در تعیین عضویت آنها در نیروهای مسلح مفید باشد عبارتند از: ثبت نام آنها برای عضویت در ارتش؛ استخدام آنها از سوی وزارت دفاع، با در نظر

داشتن این موضوع که این وزارت غیرنظامیان زیادی را نیز به استخدام خود درمی‌آورد؛ تبعیت آنها از قوانین و ضوابط نظامی ارتش؛ قراردادن در بدنه نیروهای مسلح و قرار گرفتن تحت فرماندهی مقامات ارتش؛ دارا بودن کارت‌های عضویت در نیروهای مسلح مطابق آنچه که در کنوانسیون سوم ژنو ذکر شده است و دارا بودن لباس مخصوص نظامی (نجفی، ۱۳۸۸: ۲۹). باید توجه داشت که صرف وجود یکی از این دلایل نمی‌تواند تعیین‌کننده باشد. ضمن آنکه از آنجا که اساساً سیاست استفاده از شرکت‌های خصوصی و در واقع برون‌سپاری وظایفی که سابقاً توسط خود نیروهای دولتی انجام می‌شد، کاستن از تعداد نیروهای مسلح و مهم‌تر از آن کاستن از هزینه‌های مربوطه می‌باشد، به ندرت می‌توان وضعیتی را پیش‌بینی کرد که این شرکت‌ها به قدری در بدنه نیروهای مسلح ادغام شوند که بتوان آنها را به راحتی عضو این نیروها دانست (Gillard, 2006: 533).

۲- اعضای گروه‌های داوطلب و شبه نظامی متعلق به طرفین متخاصم:

برای آنکه پرسنل این شرکت‌ها شبه‌نظامی محسوب شوند باید دارای دو شرط باشند: گروه باید متعلق به یکی از طرفین متخاصم باشد^۱ و به علاوه باید چهار شرط موجود در ماده (۲) A4 از کنوانسیون سوم ژنو را نیز دارا باشد (Gillard, 2006: 534). بعلاوه آنکه این شرکت‌ها باید چهار شرط مذکور در کنوانسیون را نیز دارا باشند، یعنی آنکه: تحت فرماندهی مقامی مسئول باشند،

۱- صلیب سرخ در شرح خود در کنوانسیون سوم بیان می‌دارد که برای تعلق داشتن به یکی از طرفین متخاصم تنها یک رابطه غیررسمی (de facto) از جمله بر اساس یک قرارداد ضمنی کفایت می‌کند. دادگاه بین‌المللی کیفری برای یوگسلاوی سابق در این رابطه چنین بیان می‌دارد که دولت باید بر آن گروه نوعی کنترل داشته باشد، ضمن آنکه باید نوعی رابطه وابستگی میان این گروه‌ها و آن دولت طرف مخاصمه وجود داشته باشد. بدین ترتیب، در رابطه با شرکت‌ها نیز نمی‌توان دلیلی یافت که نتوان وجود یک قرارداد مبنی بر انجام برخی فعالیت‌های خاص از طرف دولت طرف مخاصمه را به معنای وجود چنین کنترلی از سوی دولت و رابطه وابستگی میان آنها ندانست. با این حال باید توجه داشت که تنها شرکت‌هایی را می‌توان اینگونه تصور کرد که از سوی یک دولت طرف مخاصمه به کار گرفته شده باشند نه دیگر بازیگران فعال در عرصه مخاصمه

دارای علایمی واضح و مشخص از دور باشند، آشکارا سلاح حمل کنند و عملیات خود را با رعایت قواعد و عرف‌های جنگی انجام دهند.

باید توجه داشت که اولاً تمامی این شرایط باید وجود داشته باشند، ضمن آنکه احراز وجود آنها باید مورد به مورد صورت گیرد. تنها جهت توضیح بیشتر باید گفت که مقام مافوق لزوماً نباید یک فرمانده نظامی باشد، بلکه صرف وجود فردی که مسئول اعمال مقامات مادون باشد کفایت خواهد کرد.^۱ در رابطه با شرط دوم نیز یکی از اعتراضاتی که معمولاً در رابطه با پرسنل این شرکت‌ها در عراق و افغانستان مطرح می‌شود، عدم وجود لباس مخصوص است به عبارتی پرسنل این شرکت‌ها از لباس‌های مخصوص استفاده نمی‌کنند و بنابراین شناسایی آنها بسیار دشوار می‌گردد (Gillard, 2006: 535). در خصوص شرط آخر، نیز باید توجه داشت که انجام عملیات با رعایت حقوق بشردوستانه باید از سوی گروه در کلیت آن صورت پذیرد نه اینکه اعضای آن به صورت انفرادی. به عبارت دیگر به عنوان نمونه شرکت باید در کلیت خود وارد در یک نقض سیستماتیک قواعد شود، نه اینکه اعضای آن منفرداً با رفتار فردی خود به دلایلی مرتکب جرایم شوند (Gillard, 2006: 535).

بنابراین مشاهده می‌شود که از منظر حقوقی تنها تعداد معدودی از پرسنل شرکت‌های خصوصی را می‌توان بر این اساس شبه نظامی دانست، یعنی پرسنل آن دسته از شرکت‌ها که توسط یک دولت برای فعالیت در یک مخصصه مسلحانه به خدمت گرفته شده‌اند و چهار شرط مذکور را دارا می‌باشند (Gillard, 2006: 536).

۱. در واقع هدف حفظ نظم در گروه و احترام به حقوق بشردوستانه می‌باشد. بنابراین افرادی که بطور پراکنده عمل می‌کنند از این وضعیت برخوردار نخواهند بود.

۳- غیرنظامیان همراه با نیروهای مسلح:

کنوانسیون سوم، بر این اصل کلی که تنها نظامیان از وضعیت اسیر جنگی برخوردارند، استثنایی نیز وارد می‌کند. علاوه بر گروه‌های مذکور، ماده (۴) 4A به گروهی دیگر از افراد اشاره دارد که در صورت دستگیری از این وضعیت برخوردار خواهند بود، این گروه افرادی هستند که به همکاری و همراهی با نیروهای مسلح می‌پردازند بدون آنکه عضو آنها محسوب شوند و مستقیماً در مخاصمات شرکت کنند، مانند خدمه هواپیماهای نظامی، افرادی که به محافظت و تعمیر ابزار آلات جنگی می‌پردازند، البته مشروط بر آنکه از طرف آن نیروها مجوز دریافت کرده، کارت شناسایی مشخص دریافت نموده باشند.

بطور کلی می‌توان گفت که مطابق آنچه در این ماده ذکر شده است این افراد باید دارای مجوز از سوی مقامات باشند و در صورت فقدان مجوز از سوی مقامات رسمی از مزایای مربوطه برخوردار نخواهند شد. شرط مربوط به کارت شناسایی نیز به تنهایی کفایت نمی‌کند، بلکه آنچه نقش اساسی دارد مجوزی است که آنها باید از سوی مقامات در دست داشته باشند. در مذاکرات تدوین این مقرره اشاره‌ای به اینکه مقصود از مجوز چیست نشده است، اما می‌توان گفت که صرف وجود یک قرارداد به معنای مجوز نخواهد بود (Gillard, 2006: 537). موضوع دیگری که در رابطه با این افراد غیرنظامی همراه با نیروهای مسلح مطرح می‌شود به وضعیت آنها در صورت مشارکت مستقیم در درگیری‌ها باز می‌گردد. آیا در این صورت باز هم از وضعیت اسیر جنگی برخوردار خواهند بود؟

بنظر می‌رسد که نظر عمده بر این باشد که از آنجا که این افراد نه عضو نیروهای مسلح هستند و نه رزمنده محسوب می‌شوند، لذا هیچ دلیلی وجود ندارد که با آنها به نحوی متفاوت از غیرنظامیانی رفتار شود که دست به مشارکت

مستقیم می‌زنند. برخی بر این عقیده‌اند که ماهیت اقداماتی که در ماده (۴) 4A ذکر شده‌اند، جز در مورد خدمه غیرنظامی هواپیماهای نظامی، به گونه‌ای است که مشخصاً خدمات پشتیبانی و حمایتی را شامل می‌شود و اساساً از عملیات و اقدامات نظامی نیروهای مسلح به دور می‌باشد، و چنین نتیجه می‌گیرند که همین امر خود نشاندهنده‌ی این است که برای برخورداری از وضعیت اسیر جنگی فرد ذی‌ربط باید از مشارکت مستقیم در جنگ خودداری نماید (Gillard,2006:538).

بدین ترتیب می‌توان چنین نتیجه گرفت که آندسته از پرسنل شرکت‌ها که چنین خدماتی را ارائه می‌دهند، مشروط بر دریافت مجوز لازم از سوی مقامات و عدم مشارکت مستقیم در درگیری‌ها، می‌توانند در این دسته جای گیرند. بنابراین، تعیین اینکه آنها از چنین وضعیتی برخوردار خواهند بود باید به صورت موردی و با بررسی هر وضعیت انجام شود (Gillard,2006:539).

ج- پرسنل شرکت به عنوان افراد غیرنظامی:

پس از بررسی وضعیت پرسنل این شرکت‌ها با توجه به دسته‌های افراد نظامی و تعیین مواردی که ممکن است آنها در این دسته جای گیرند، حال باید به بررسی این موضوع پرداخت که آیا و در چه صورتی می‌توان آنها را غیرنظامی محسوب کرد. آنچه در این رابطه اهمیت پیدا می‌کند، مسئله مشارکت مستقیم آنها در درگیری‌هاست. پیش از پرداختن به این موضوع لازم به ذکر است که با توجه به اینکه نمی‌توان به صورت مطلق و مشخص وضعیت پرسنل این شرکت‌ها را تعیین کرد و آنها را نظامی یا غیرنظامی خواند، بحث مشارکت مستقیم آنها در درگیری‌ها از اهمیت بسیار بالایی در رابطه با وضعیت آنها برخوردار خواهد بود، و در واقع یکی از فاکتورهای تعیین‌کننده جایگاه آنها می‌باشد که در بررسی هر مورد باید مد

نظر قرار گیرد. در خصوص مسئله مشارکت مستقیم در مخاصمات دو مورد را باید مطرح کرد، نخست آنکه برخی ادعا می‌کنند که شرکت‌های خصوصی غالباً خدمات دفاعی ارائه می‌دهند و بنابراین مستقیماً در مخاصمات شرکت نمی‌کنند ولی باید توجه داشت که حقوق بشردوستانه تمایزی میان فعالیت‌های دفاعی و تهاجمی قایل نمی‌گردد.^۱ نکته دوم آنکه گرچه ممکن است پرسنل این شرکت‌ها مستقیماً در مخاصمات شرکت نکنند، اما معمولاً بسیار نزدیک به نیروهای نظامی فعالیت می‌کنند و ممکن است که در اثر وقوع درگیری‌ها متحمل خسارات جانبی ناشی از درگیری‌ها شوند. بطور کلی با بررسی اجمالی تنوع و گستردگی خدماتی که شرکت‌های خصوصی ارائه می‌دهند روشن است که نمی‌توان با حکمی کلی وضعیتی خاص از قبیل نظامی یا غیرنظامی را به آنها تعمیم داد، به بیان دیگر از آنجا که این شرکت‌ها برای ایفا تعهدات خود که طی یک قرارداد بر عهده گرفته‌اند، مجموعه فعالیت‌های وسیعی را انجام می‌دهند، بالطبع کارکنان گوناگونی با مهارت‌ها و وظایف متفاوت به خدمت می‌گیرند که هر یک برای انجام مأموریت خاصی استخدام می‌گردند و احراز وضعیت هر کدام مورد به مورد باید بررسی گردد تا نتیجه روشنی به دست آید. البته این نکته را نیز باید ذکر کرد که بر اساس ماده ۵ کنوانسیون چهارم ژنو، در صورت دستگیری، تا زمانی که وضایت آنها احراز نشود، از حقوق مربوط به اسراء جنگی برخوردار خواهند بود.

۱. به عنوان نمونه، شرکت‌های خصوصی در عراق از سال ۲۰۰۳ به فعالیت‌هایی مانند حفاظت از تاسیسات و ساختمان‌های نظامی مشغول بوده‌اند. این تاسیسات همگی هدف‌های مشروع نظامی تلقی می‌شوند و طبیعی است که گاهی دفاع از آنها مستلزم مشارکت مستقیم در درگیری‌ها می‌باشد.

مبحث سوم: مسئولیت شرکت‌های خصوصی در اثر نقض قواعد حقوق بشردوستانه

یکی از بحث‌های بسیار مهم در خصوص شرکت‌های نظامی و امنیتی خصوصی، مسأله مسئولیت می‌باشد. شرکت‌های امنیتی و نظامی خصوصی یک شرکت معمولی با ساختار تجاری معمولی به حساب نمی‌آیند. نوع فعالیت‌های آنها بسیار شبیه نهادهای نظامی است چرا که اکثر اعضایشان را نیروهای با سابقه نظامی تشکیل می‌دهند. همچنین، نوع خدماتی که ارائه می‌دهند موجب می‌شود تا دارای ساختاری با سلسله مراتب متفاوت از سایر شرکت‌های خصوصی باشند. با این حال، مسئولیت کیفری فردی هیچ ارتباطی با وضعیت حقوقی فرد-نظامی یا غیر نظامی - ندارد و همه افراد به یک میزان مسئول عواقب نقض قواعد حقوق بشردوستانه می‌باشند. آنچه که در قضیه زندان ابوغریب اتفاق افتاد نتیجه رخدادهای سیاسی و بنابر مسائل سیاسی، فقدان اراده در تعقیب و محاکمه متهمان بود و از آن نمی‌توان وجود یک خلا حقوقی در این خصوص را نتیجه گرفت (Lindsey, 2006: 594). اگر چه از لحاظ تئوری مطرح نمودن مسئولیت این شرکت‌ها آسان به نظر می‌رسد ولی تعقیب کیفری و احراز مسئولیت پرسنل شرکت‌های خصوصی با مشکلاتی مواجه است.^۱ مشکل اصلی در احراز مسئولیت شرکت‌ها آن است که شرکت‌های خصوصی به عنوان یک شخص حقوقی غیر دولتی به طور سنتی تابع اصلی حقوق بین‌الملل به شمار نمی‌آیند. اگر پرسنل این

۱. علت چنین امری می‌تواند ناشی از عوامل مختلفی باشد. اولاً آنکه، چنین شرکتی‌های و کارکنان آنها معمولاً تلاش می‌کنند تا در کشور محل عملیات از مصونیت برخوردار باشند. به عنوان مثال در عراق این شرکت‌ها از مصونیت برخوردار بودند. دوم، دادگاه‌های کشورهای محل عملیات این شرکت‌ها، به دلیل تعارض، از اعمال صلاحیت منع شده‌اند. سوم آنکه، کشورهای ثالث از جمله؛ کشور متبوع شرکت‌های خصوصی نظامی یا کارمندان آن و کشوری که این شرکت‌ها را اجاره نموده‌اند، معمولاً نمی‌توانند صلاحیت فراسرزمینی خود را بر چنین شرکت‌هایی و کارکنان آن اعمال نمایند. همچنین، کشورها معمولاً به دلایل سیاسی و عملی چندان تمایلی نسبت تعیب نقض‌های فاحش حقوق بین‌الملل بشردوستانه که در خارج ارتکاب یافته، ندارند.

شرکت‌ها اعمالی مانند شکنجه انجام نمی‌توان فرض نمود که قواعد بین-المللی مربوط به منع شکنجه را نقض نموده‌اند. چرا که تنها ماموران دولتی هستند که به دلیل ویژگی دولتی بودن و تابع حقوق بین‌الملل بودن، امکان نقض این دسته قواعد را ندارند.^۱ علاوه بر این، مشکلات دیگری نیز وجود دارد از جمله احراز مسئولیت با توجه به ساختار تجاری شرکت‌های خصوصی و همچنین قصور در کنترل و نظارت شرکت مادر بر شرکت فرعی. به نظر می‌رسد، در این گونه موارد، به منظور تفسیر وظیفه کنترل و نظارت، قاضی باید به مفاد تعهدات موجود در قرارداد و یا قواعد رفتاری شرکت توجه کند. اگر آن قرارداد یا قواعد رفتاری احترام به حقوق بشر و حقوق بشردوستانه را مورد تأیید قرار دهند، در آن صورت این قواعد غیر مستقیم از طریق مواردی مانند قصور اعمال می‌گردد و علی‌رغم آن که شرکت‌های خصوصی تعهد مستقیم طبق حقوق بین‌الملل ندارند چون تابع مستقیم حقوق بین‌الملل نیستند ملزم به رعایت آنها می‌باشند (rygaet, 2008: 4-5).^۲ با نگاهی اجمالی به برخی اسناد بین‌المللی مانند اعلامیه جهانی حقوق بشر در می‌یابیم که حقوق بین‌الملل اشخاص غیر حقوقی را نیز مسئول می‌داند. عبارت «هر فرد و هر سازمانی از جامعه» در مقدمه این اعلامیه نشان‌دهنده آن است که نویسندگان اعلامیه در صدد بوده‌اند تا مفاد آن بر تمامی اشخاص و در هر

۱- ماده ۱ کنوانسیون ملل متحده در خصوص منع شکنجه و سایر اعمال غیر انسانی ۱۹۸۴ اشعار می‌دارد که عمل «شکنجه هر عملی است که : توسط یک مقام رسمی عمومی صورت گیرد.

۲- البته ممکن است ایراد شود که در این صورت شرکت‌ها از تنظیم قواعد رفتاری و یا درج مفادی راجع به ضرورت رعایت و احترام حقوق بشر خودداری خواهند کرد ولی می‌توان پاسخ داد که با توجه به شرایط و اوضاع و احوال کنونی دولت‌ها و شرکت‌ها مایل نیستند در افکار عمومی جهان ضد بشری معرفی گردند. لذا تلاش می‌کنند به منظور حفظ شهرت و اعتبار خود و جلب قراردادهای بیشتر از طریق تدوین قواعد رفتاری و یا درج در قراردادها، خود را پایبند به حقوق بشر نشان دهند. در نظام حقوقی عدم پایبندی به مفاد یک قرارداد منجر به بروز مسئولیت خواهد شد و در نتیجه فرد مسئول موظف به جبران خسارت ناشی از فعل یا ترک فعل می‌گردد. رک (Brownlie, 2006: 420)

وضعیتی از جمله شرکت‌ها قابل اعمال باشد؛ به همین ترتیب میثاق‌های حقوق مدنی و سیاسی و حقوقی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نیز به عنوان عهدنامه‌های لازم‌الاجرا بر این مورد تصریح داشته‌اند.^۱

بنابراین می‌توان گفت که با توجه به تحولات رخ داده در قلمرو حقوق بشردوستانه از زمان جنگ جهانی دوم، حقوق بین‌الملل نه تنها به دولت‌ها بلکه بر اشخاص غیردولتی مانند شرکت‌های امنیتی و نظامی خصوصی قابل اعمال است (Kalshoven, 1991: 832). و این دو با ایجاد محاکم بین‌المللی کیفری برای یوگسلاوی سابق و رواندا تثبیت شده است (S/Res/808&S/Res/827).

الف؛ پرسنل شرکت‌های خصوصی و نقض قواعد حقوقی مخاصمات پرسنل شرکت‌های خصوصی با اتهامات فراوانی مبنی بر ارتکاب جنایات علیه افراد و زندانیان روبرو بوده‌اند. در همین راستا، دادگاه کیفری بین‌المللی رواندا در قضیه آکایسو مقرر می‌دارد: «تکالیف و مسئولیت‌های مندرج در کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو و پروتکل الحاقی... طبیعتاً مربوط به افرادی است که با هر درجه‌ای و مقامی تحت فرماندهی نیروهای متخاصم یکی از طرفین درگیر باشد و یا افرادی است که دارای سمت باشند و یا به صورت غیر رسمی به نمایندگی از سوی دولت عمل کنند».^۲ دادگاه مذکور، همچنین، اشعار می‌دارد: «حقوق بشردوستانه به زیر سوال خواهد رفت چنانچه گفته شود که افراد خاصی علی‌رغم نقض موادی مانند ماده ۳ مشترک از کنوانسیون‌های ژنو به دلیل فقدان مقام رسمی دارای مسئولیت کیفری نخواهند بود». و نیز، مقرر داشت «ماده ۳ مشترک و پروتکل‌های الحاقی تمامی افراد را صرف‌نظر از موقعیت و وابستگی‌شان

۱- ماده ۵ مشترک میثاق‌ها.

۲. البته معلوم نیست که به صورت غیررسمی به نمایندگی از سوی دولت عمل کردن دقیقاً به چه معناست.

مورد خطاب قرار می‌دهند». علاوه بر این، در رای *prosecute v. musema* با تأکید بر نظر خود مقرر داشت: «مستثنی کردن افرادی از جنایات جنگی با توجیح تعلق نداشتن آن فرد به یک ارگان رسمی غیر منطقی است چرا که حقوق بشردوستانه بین‌المللی بر تمامی افرادی که به نقض آن می‌پردازند اعمال می‌گردد» (ICTRN_o, 48: 1986). در هر حال می‌توان گفت که تمامی پرسنل شرکت‌های خصوصی در همه حال باید پایبند به قواعد حقوق بشردوستانه بین‌الملل باشند و همچنین دولت‌ها نیز نمی‌توانند با استخدام شرکت‌های خصوصی خود را از هر گونه مسئولیت مبری سازند. به طور کلی حقوق بشردوستانه بین‌المللی مانع از آن نمی‌شود که دولت‌ها از خدمات شرکت‌های خصوصی استفاده کنند. ماده ۳۹ کنوانسیون‌های سوم و ماده ۹۹ کنوانسیون چهارم ژنو مقرر می‌دارد که کمپ‌هایی که اسیران جنگی در آنجا نگهداری می‌شوند باید تحت نظارت مستقیم یک مقام مسئول از میان نیروهای مسلح و یا سایر نهادهای مدنی باشند. بنابراین، هیچ چیز مانع از آن نیست که دولت‌ها از یک شرکت خصوصی برای انجام این کار استفاده کنند. ولی اگر یک شرکت برای انجام امور مربوط به اداره کردن کمپ اسراء جنگی توسط دولت به خدمت گرفته شود دولت طرف قرارداد متعهد است تا از وجود استانداردهای مندرج در کنوانسیون سوم ژنو در خصوص چگونگی رفتار با اسراء جنگی اطمینان حاصل کند.^۱

ب؛ قابلیت انتساب عمل متخلفانه به شرکت‌های نظامی و امنیتی خصوصی هر جرمی که در زمان مخاصمات مسلحانه روی می‌دهد یک جنایت جنگی محسوب نمی‌شود. به عبارت دیگر، هنگامی که یک شرکت خصوصی در

۱. به عنوان نمونه بند ۱ ماده ۱۲ کنوانسیون سوم ژنو مقرر می‌دارد صرف‌نظر از مسئولیت فردی دولت نیز مسئول بد رفتاری با اسراء می‌باشد.

قلمرویی که درگیر مخاصمات مسلحانه است فعالیت می‌کند تنها زمانی اعمال متناسب به شرکت فعل مجرمانه بر اساس قواعد حقوق بشردوستانه محسوب می‌گردد که علیه افراد درگیر در مخاصمه صورت گیرد و وجود مخاصمه مسلحانه باید نقش عمده‌ای در ارتکاب جرم داشته باشد (Lehnard, 2007: 12). یعنی ارتباط نزدیک با مخاصمه داشته باشد (Prosecutor v. tadic) و ارتکاب جرم به علت وضعیت خصمانه‌ی حاکم بر شرایط باشد مانند جنایاتی چون کشتار غیر نظامیان یا شکنجه اسرا. بین‌المللی یا غیر بین‌المللی بودن مخاصمات نیز تأثیری بر احراز انتساب مسئولیت نخواهد داشت و از آن جا که شرکت‌ها فعالیت‌های خود را در هر وضعیت انجام می‌دهند امکان بروز جنایات جنگی در مخاصمات داخلی نیز وجود دارد.^۱

مبحث چهارم؛ تعهدات دولت‌ها

در نگاه اول، به طور اجمالی می‌توان گفت که تعهدات دولت‌ها مبنی بر رعایت و احترام قواعد بشردوستانه و اطمینان از رعایت آن توسط سایرین^۲ قرینه‌ای به دست می‌دهد که دولت‌ها را موظف می‌سازد تا آموزش‌های صحیح نظامی را به پرسنل شرکت‌های خصوصی برای رعایت حقوق بشردوستانه بدهند. بر اساس ماده ۲۷ کنوانسیون چهارم ژنو حتی اعمالی که در خارج از وظیفه صورت گیرد و منجر به نقض حقوق غیرنظامیان می‌گردند موجب بروز مسئولیت خواهند بود. به عبارتی دولتی که از خدمات شرکت‌های خصوصی استفاده می‌کند باید تمام تلاش خود را بکار گیرد تا مبادا به مردم غیرنظامی آسیبی برسد والا به صرف وقوع

۱. ماده ۸(۲) و (f)، پروتکل ۱.

۲. ماده ۱ مشترک کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو ۱۹۴۹

خسارت مسئول خواهد بود. بر اساس ماده ۱۲ کنوانسیون سوم مربوط به اسراء جنگی یک دولت در صورت هر گونه نقض حقوق بشردوستانه توسط شرکت‌های خصوصی در این قلمرو مسئول خواهد بود. همچنین در زمان اشغال نیز دولت طبق مفاد ماده ۴۳ کنوانسیون چهارم لاهه موظف است تا به پرسنل شرکت‌های نظامی و امنیتی حتی در زمان خارج از مأموریت نظارت کند. ماده ۱ مشترک کنوانسیون‌های ژنو، مقرر می‌دارد دولت‌های عضو متعهد به رعایت و تضمین رعایت حقوق بین‌الملل بشردوستانه هستند. شمول «تضمین رعایت» این مقرره بسیار موسع تفسیر شده است. یکی از ابعاد این تعهد آن است که دولت‌ها تضمین نمایند نیروهای نظامی آنها بر اساس قانون عمل کنند. از جمله این تدابیر آن است که به نیروهای خود حقوق بین‌الملل بشردوستانه را آموزش دهند. همچنین، باید بر اجرای این تعهدات نظارت داشته باشند. چنین تعهداتی محدود به نیروهای نظامی دولت نمی‌باشد بلکه هر شخص یا نهادی که از طرف دولت اقدام می‌نماید یا تحت نظارت دولت است، نیز مشمول این قاعده می‌شود. این قاعده همچنین کارمندان شرکت‌های نظامی و امنیتی خصوصی استیجاری که عضو نیروهای مسلح نیستند، را نیز شامل می‌شود. در این راستا، دولت‌ها، پیش از هر چیزی، باید شرکت‌های استیجاری را با حقوق بین‌الملل بشردوستانه آشنا نمایند (Gillard, 2006: 552). همچنین، دستورالعمل‌هایی که به این شرکت‌ها ارائه می‌شود باید منطبق با حقوق بین‌الملل بشردوستانه باشد. علاوه بر این، به منظور تضمین اجرای این دستورالعمل‌ها، دولت ذیربط باید بر اجرای فعالیت‌های شرکت‌های امنیتی و نظامی خصوصی نظارت نماید. یکی از ابعاد این نظارت، رسیدگی به اعمال متخلفانه‌ای است که در این راستا ارتکاب می‌یابد (Gillard, 2006: 553). بنابراین می‌توان گفت، علاوه بر دولت‌هایی که شرکت

را اجاره می‌نمایند، دولت‌هایی که این شرکت‌ها در سرزمین آنها فعالیت می‌کنند و دولت‌های متبوع این شرکت‌ها و همچنین دولت متبوع کارکنان-البته به طور محدودتری- متعهد به رعایت و تضمین رعایت حقوق بین‌الملل بشردوستانه هستند.

کنوانسیون ژنو دولت‌ها را ملزم نموده تا به منظور نظارت بر تمامی اعمالی که در تضاد با کنوانسیون‌هاست، تدابیر لازم را اتخاذ نمایند. و همچنین آنها را در دادگاه محاکمه نماید یا اشخاصی که متهم به ارتکاب نقض فاحش حقوق هستند را مسترد دارد (Gillard, 2006: 556). این تعهدات نسبت به تمامی افراد وجود دارد و به طریق اولی نسبت به اشخاصی که توسط دولت اجاره می‌شوند نیز مجری خواهد بود. بر این اساس، دولت‌ها باید تضمین نمایند که آنها دارای قانونگذاری و مکانیزم‌های لازم به منظور تحقیق و رسیدگی به نقض‌های فاحش حقوق بین‌الملل بشردوستانه هستند که توسط کارکنان شرکت‌های نظامی و امنیتی خصوصی استیجاری ارتکاب یافته است. علاوه بر این، کشورهای میزبان می‌توانند شرکت‌هایی که خواهان ارائه خدمات نظامی و امنیتی هستند را ملزم به کسب مجوز نمایند. به منظور کسب مجوز، این شرکت‌ها ملزم می‌شوند که برخی معیارهای اصلی را رعایت نمایند و کسب مجوز نیز منوط به پذیرش شروطی باشد از جمله اینکه، به منظور تضمین رعایت حقوق بین‌الملل بشردوستانه، این شرکت‌ها افراد مجربی را استخدام نمایند تا به کارکنان خود حقوق بین‌الملل بشردوستانه را آموزش دهند، قواعد و آیین‌های استخدام که منطبق با تعهداتشان بر اساس حقوق بین‌الملل بشردوستانه هست را بپذیرند، ایجاد مکانیزم‌های داخلی به منظور رسیدگی به اعمال متخلفانه (Gillard, 2006: 559). نکته دیگر آنکه، کشورهای

متبوع شرکت‌های نظامی و امنیتی خصوصی نیز می‌توانند با ایجاد یک چارچوب قانونی بر فعالیت‌های این شرکت‌ها نظارت و کنترل نمایند (Gillard, 2006: 560).

الف؛ وضعیت مقامات مافوق

مدیران و همچنین افسران ارشد شرکت‌ها نیز ممکن است دارای مسئولیت حقوقی باشند.^۱ مسئولیت مقامات مافوق به دلیل نقض‌های فاحش حقوق بین‌الملل بشردوستانه صریحا در ماده ۸۶ (بند ۲) پروتکل الحاقی ۱ پیش‌بینی شده است. مسئولیت این افراد زمانی مطرح می‌گردد که هر ارشدی می‌دانسته یا اطلاع داشته ماموران زیر نظر وی در حال ارتکاب بوده یا قصد ارتکاب نقض حقوق بین‌الملل بشردوستانه را داشته اما تدابیر لازم جهت جلوگیری اتخاذ نکرده است. سوال قابل ذکر در این رابطه آن است که ارشدان شامل چه کسانی می‌شوند؟ بر اساس شرح پروتکل الحاقی، ارشدان، شامل ارشدان مستقیمی می‌شوند که در قبال افرادی که تحت نظارت آنها می‌باشند دارای مسئولیت فردی هستند. در خصوص شرکت‌های خصوصی نظامی، اگر چه قاعده فوق مشمول مدیران مستقیم کارکنان می‌شود اما به سختی می‌توان این مسئولیت را به افسران ارشد این شرکت‌ها تعمیم داد. از این‌رو، در این گونه موارد باید به نوع فعالیت‌هایی که ارشدان می‌بایست به منظور جلوگیری از نقض اتخاذ نمایند، توجه شود (Gillard, 2006: 546).

اما نکته قابل تأملی که در این خصوص می‌توان به آن اشاره نمود، ماده ۲۸ اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری است. بند (ب) ماده ۲۸ اساسنامه دیوان مقرر می‌دارد که مقامات مافوق-مانند مدیران شرکت‌های خصوصی- در صورت قصور در جلوگیری از ارتکاب نقض قواعد حقوق بشردوستانه توسط ماموران خود دارای مسئولیت کیفری خواهند بود. برای احراز مسئولیت باید چند معیار را در

1 Article 86(2) of Additional Protocol I

نظر گرفت، در درجه اول ماموران باید تحت کنترل و نظارت موثر مافوق باشند و این که جنایات ارتکاب‌یافته در حوزه مسئولیت مافوق قرار داشته باشد و از ارتکاب آنها آگاهی داشته و یا بی‌توجهی کرده است و از اتخاذ تصمیمات لازم و جلوگیری از ارتکاب جرائم قصور و یا از اطلاع رسانی به مقامات صالح خوادداری کرده است (Ambos, 2008: 294).

ب؛ مسئولیت دولت در قبال نقض حقوق بشردوستانه توسط کارکنان شرکت‌ها نظامی و امنیتی خصوصی

عوامل متعددی می‌تواند مسئولیت حقوقی به دلیل نقض حقوق بین‌الملل بشردوستانه را مطرح نماید. علاوه بر مسئولیت کیفری فردی کارکنان شرکت‌های نظامی و امنیتی خصوصی، دولت‌هایی که این شرکت‌ها را اجاره نمودند نیز ممکن است مسئول چنین نقضی باشند. اثبات چنین مسئولیتی بستگی به وضعیت اشخاص مورد بحث دارد. چنانچه بتوان آنها را اعضای نیروهای مسلح تلقی نمود، اعمال شرکت‌های نظامی و امنیتی خصوصی عمل «رکن» دولت تلقی می‌گردد و از این رو، قابل انتساب به دولت می‌باشد. در همین راستا بر اساس ماده ۴ طرح کمیسیون درباره مسئولیت دولت اثبات مسئولیت دولت به دلیل نقض حقوق بین‌الملل بشردوستانه که توسط کارکنان شرکت‌های نظامی و امنیتی خصوصی که عضو نیروهای مسلح نیستند، ارتکاب یافته، بسیار دشوار می‌باشد. همچنین وفق ماده ۵ طرح،^۲ این گونه به نظر می‌رسد که مقرر مذکور نسبت به بخش اعظمی از

۱- ماده ۴ طرح مذکور مقرر می‌دارد: «رفتار هر ارگان دولتی به موجب حقوق بین‌الملل فعل آن دولت تلقی می‌گردد صرف‌نظر از اینکه آن ارگان کارکرد تقنینی، قضائی، اجرائی یا کارکردی دیگر باشد و اعم از اینکه ارگان مذکور در سازمان دولتی چه موقعیتی دارد و اعم از اینکه ارگان مذکور عضوی از دولت مذکور باشد یا عضوی از واحد دولتی محلی».

۲- ماده ۵ طرح اشعار می‌دارد: «رفتار شخص یا نهادی که ارگان دولتی در مفهوم ماده ۴ محسوب نمی‌شوند اما به موجب قانون آن دولت مجاز به اعمال اقتدارات دولتی است به موجب حقوق بین‌الملل فعل آن دولت محسوب می‌شود مشروط بر آنکه عضو یا نهاد مزبور در قضیه ذی‌ربط در این سمت عمل کرده باشد».

فعالیت‌های شرکت‌های نظامی و امنیتی خصوصی اعمال می‌گردد. اما شرط «تجویز قانون کشور» حوزه این مقرره را به طور قابل ملاحظه محدود نموده است. ماده ۵ تنها شامل اعمال نهادهایی است که بر اساس قانون داخلی مجاز به اعمال اقتدارات حکومتی هستند. بنابراین، این ماده اعمال این نهادها را از مواردی که نهادی تحت هدایت یا کنترل دولت اقدام می‌نماید، تفکیک می‌کند. نکته قابل ذکر آنکه، وجود قرارداد میان دولت و شرکت فی‌الذمه نمی‌تواند چنین شرکت‌هایی را مشمول این ماده قرار دهد. مبنای احتمالی نهایی برای قابلیت انتساب ماده ۸ پیش‌نویس می‌باشد که اعمالی که تحت هدایت یا کنترل دولت انجام می‌گیرد را مورد بررسی قرار می‌دهد. این ماده مقرر می‌دارد، رفتار شخص یا گروهی از اشخاص به موجب حقوق بین‌الملل فعل دولت تلقی می‌شود چنانچه شخص یا اشخاص مزبور در انجام فعل مزبور در واقع به دستور، تحت هدایت یا کنترل دولت عمل کنند». در نگاه اول این گونه به نظر می‌رسد که مقرره فوق وضعیت بسیاری از شرکت‌های نظامی و امنیتی خصوصی را مورد بررسی قرار می‌دهد، همانگونه که قرارداد می‌تواند شکلی از دستور یا به موجب آن شرکت تحت کنترل یا هدایت دولت مستأجر قرار دهد. با وجود این، تفسیر ماده فوق حاکی از آن است که شمول ماده فوق بسیار مضیق می‌باشد. عبارت «در انجام رفتار مزبور» حاکی از آن است که مقرره فوق شامل اعمال متخلفانه‌ای نمی‌شود که شرکت‌های مذکور به دستور دولت یا تحت هدایت و کنترل دولت عمل می‌کنند. در عوض، «به دستور، تحت هدایت یا کنترل» باید مربوط به اعمالی باشد که گفته می‌شود به عمل متخلفانه بین‌المللی منجر گردیده است.^۱ مسئولیت بین‌المللی دولت، بر اساس ماده ۸، تنها زمانی محقق می‌گردد که آن دولت به شرکت دستور نقض

۱. شرح کمیسیون حقوق بین‌الملل در خصوص مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها، (۲۰۰۱) ماده ۷، شماره ۷.

حقوق بین‌الملل بشردوستانه را بدهد، نه اینکه، چنانچه دولت شرکتی را به منظور انجام فعالیت قانونی اجاره نماید و کارکنان آن شرکت در حین انجام قرارداد، حقوق را نقض نمایند. بنابراین چنانچه دولتی شرکتی را به منظور انجام فعالیت قانونی اجاره نماید و کارکنان آن شرکت در حین انجام قرارداد، حقوق را نقض نمایند، مسئولیتی متوجه دولت نمی‌شود. ماده ۷ پیش‌نویس وضعیت کلی را بیان می‌دارد که در آن دولت به دلیل نقض حقوق بین‌الملل به وسیله نهادهای دولتی یا اشخاصی که مجاز به اعمال اقتدارات دولتی هستند، از جمله هنگامی که از حدود اختیارات خود تجاوز نموده، مسئول تلقی می‌گردد. با وجود این، هیچ‌گونه مسئولیت کلی در خصوص اعمالی که خارج از صلاحیت توسط اشخاصی که به دستور دولت یا تحت هدایت یا کنترل دولت صورت می‌گیرد، وجود ندارد (Gillard, 2006: 555). بنابراین، نمی‌توان گفت که دولت مسئول نقض‌های حقوق بشردوستانه‌ای است که توسط کارکنان شرکتی استیجاری ارتکاب یافته است. اما وضعیت‌هایی که در آنها اعمال پیمانکاران قابل انتساب به دولت نیست می‌تواند، به دلیل نقض حقوق، منجر به مسئولیت دولت گردد. چنین مسئولیتی می‌تواند ناشی از عدم اجرای تعهدات دولت بر اساس حقوق بین‌الملل بشردوستانه باشد یا ناشی از عدم اتخاذ اقدامات لازم جهت تضمین رعایت حقوق بین‌الملل بشردوستانه باشد (Gillard, 2006: 556).

در پایان می‌توان گفت، تاکنون شیوه‌هایی برای ملزم نمودن شرکت‌های خصوصی به رعایت حقوق بشر پیشنهاد شده است. برخی بر این باورند که با تلقی نمودن آنها همانند نماینده دولت، می‌توان آنها را ملزم به رعایت حقوق بشر نمود، برخی دیگر بر این نظرند که در قراردادهای منعقد شده با این شرکت‌ها، قید رعایت حقوق بشر درج گردد (Clapham, 2006: 299-310). با این حال، اگر چه

برخی بر این باورند که حقوق بین‌الملل بر اشخاص خصوصی الزامی ایجاد نمی‌کند اما می‌توان گفت با توجه به اینکه این اصول، ارزش‌هایی هستند متعلق به کل جامعه بشری، بر همین اساس رعایت آنها نه تنها برای تمام تابعان درجه اول حقوق بین‌الملل، بلکه برای دیگر تابعان حقوق-حتی چنانچه تابع مستقیم حقوق نیستند- الزام‌آور است.^۱

نتیجه‌گیری

پدیده خصوصی‌سازی در قرن اخیر رشد بسیار چشمگیری داشته، به نحوی که شاهد سرایت این پدیده در موضوع جنگ بوده‌ایم که نتیجه آن مطرح شدن مقولاتی چون خصوصی‌سازی جنگ می‌باشد. تمایل دولت‌ها در بکارگیری این پدیده در عملیات نظامی فرامرزی موجب مطرح شدن مسائلی در این خصوص شد. از این‌رو، شرکت‌های نظامی و امنیتی خصوصی زیادی تأسیس شدند که به فعالیت‌های گوناگونی می‌پردازند از جمله تأمین خدمات امنیتی و مشارکت فعال در درگیری‌ها، ارائه خدمات مشورتی، آموزشی و برنامه‌ریزی، و ارائه خدمات پشتیبانی. این شرکت‌ها پرسنلی نیز در اختیار دارند. پرسنل این شرکت‌ها معمولاً در رسانه‌ها و مطبوعات، به دلیل دستمزدی که دریافت می‌کنند، مزدور خوانده می‌شوند. با وجود این، این شرکت‌ها با مزدوران از لحاظ ماهیت و فعالیت‌هایی

۱. گارگروه ویژه سازمان ملل در خصوص ایجاد مکانیزم نظارتی بر این نوع شرکت‌ها نیز بر رعایت و تشویق حقوق بشر در هنگام فعالیت این شرکت‌ها تأکید دارد. در همین راستا، در سومین گزارش متخصصان در خصوص اشکال جدید و سنتی فعالیت مزدوران، اکثر اعضا موافقت نمودند که یکی از شیوه‌های مهم‌نظام‌مند نمودن شرکت‌های خصوصی نظامی آن است که آستانه‌ای برای فعالیت‌های مجاز آنها تنظیم گردد، همچنین، ایجاد سیستم ثبت در کشور میزبان و مکانیزم‌های نظارتی که شامل صدور مجوز از سوی کشور میزبان می‌باشد نیز می‌تواند به تحقق این هدف کمک نماید. رک :

Commission on Human Rights, 38th meeting, 7 April 2005 (adopted by a recorded vote of 35 votes to 15, with two abstentions. See Chapter V of E/CN.4/2005/L.10/ Add.5)

که انجام می‌دهند متفاوت می‌باشند و نمی‌توان تعریف مزدور را به پرسنل شرکت‌های نظامی و امنیتی خصوصی تعمیم داد. باتوجه به فلسفه وجودی این شرکت‌ها، بیشتر تلاش می‌شود تا این شرکت‌ها نتوانند این افراد را در بدنه نیروهای مسلح ادغام نمایند. بنابراین مشاهده می‌شود که از دیدگاه حقوقی تنها تعداد معدودی از پرسنل شرکت‌های خصوصی را می‌توان نظامی یا شبه نظامی تلقی نمود. علاوه بر این، از آنجایی که این افراد نه عضو نیروهای مسلح هستند و نه رزمنده محسوب می‌شوند، لذا هیچ دلیلی وجود ندارد که با آنها به نحو متفاوتی از غیر نظامیان رفتار شود که دست به مشارکت مستقیم در مخاصمات می‌زنند. به بیان دیگر از آنجا که این شرکت‌ها برای ایفای تعهدات خود که طی یک قرارداد بر عهده گرفته‌اند، مجموعه فعالیت‌های وسیعی را انجام می‌دهند، بالطبع کارکنان گوناگونی با مهارت‌ها و وظایف متفاوت به خدمت می‌گیرند که هر یک برای انجام مأموریت خاصی استخدام می‌گردند و احراز وضعیت هر کدام مورد به مورد باید بررسی گردد تا نتیجه روشنی به دست آید.

گاهی اوقات، این شرکت‌ها در انجام فعالیت‌های خود برخی قواعد و مقررات حقوق بشر دوستانه و حقوق بشر را نقض می‌کنند. ولی متأسفانه به دلایل متعددی نادیده گرفته می‌شود. این مشکلات معمولاً ناشی از قواعد مربوط به احراز مسئولیت این شرکت‌ها و همچنین نظارت و کنترل شرکت مادر بر شرکت‌های فرعی می‌باشد.

باوجود برخی خلاءهایی که ناشی از دیدگاه سنتی حقوق بین‌الملل، در خصوص مسئولیت شرکت‌های نظامی و امنیتی خصوصی وجود دارد. اما با پیشرفت‌هایی که در حوزه حقوق بین‌الملل بشر دوستانه رخ داده می‌توانیم بگوییم که حقوق بین‌الملل اشخاص غیر حقوقی را نیز مسئول می‌داند. بر این اساس می‌توان گفت این

شرکت‌ها و تمامی پرسنل آنها در همه حال پایبند به قواعد حقوق بشردوستانه بین‌المللی هستند که در صورت نقض این قواعد مسئولیت آنها مطرح می‌گردد. صرفنظر از تعهداتی که این شرکت‌ها بر عهده دارند، دولت‌ها نیز تعهداتی بر عهده دارند. اگر چه حقوق بین‌الملل بشردوستانه دولت‌ها را از اجاره نمودن این شرکت‌ها به منظور انجام فعالیت‌های خاص منع نمی‌کند، اما هنگامی که دولتی این شرکت‌ها را اجاره می‌کند مسئولیت دولت در اجرای تعهداتش بر اساس حقوق بین‌الملل، پابرجاست. از این‌رو، کنوانسیون‌های ژنو دولت‌ها را ملزم می‌نماید تا به منظور نظارت بر تمامی اعمالی که در تضاد با این کنوانسیون‌ها است تدابیر لازم را اتخاذ نمایند. این تعهدات شامل تمامی دولت‌هایی که با این شرکت‌ها در ارتباط هستند می‌شود.

منابع

- نجفی، جلال. (۱۳۸۸)، «شرکت‌های امنیتی و نظامی خصوصی و حقوق مخاصمات»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، شهیدبهبشتی.
- عسکری، پوریا. (۱۳۸۶)، «شرکت‌های نظامی و امنیتی خصوصی و حقوق بین‌المللی بشر دوستانه»، مجله پژوهش‌های حقوقی، ش ۱۲.
- Chesterman S. and Lehnardt C., (2007) *From Mercenaries to Market: The Rise and Regulation of Private Military Companies*.
- Cockayne, J., (2009) 'Regulating Private Military and Security Companies: The Content, Negotiation, Weaknesses and Promise of the Montreux Document', *Journal of Conflict & Security Law*, Vol. 13 No. 3.
- Del pardo, J. G. L., (2009) 'Private Military and Security Companies and the UN Working Group on the Use of Mercenaries', *Journal of Conflict & Security Law*, Vol. 13 No. 3.
- Del pardo, J. G. L., (2009) 'Private Military and Security Companies and the UN Working Group on the Use of Mercenaries', *Journal of Conflict & Security Law*, Vol. 13 No. 3.

- E.-C. Gillard. (2006) “Business Goes to War: Private Military/security Companies”, *International Review of the Red Cross*, Volume 88, Number.
- F. Kalshoven, (1991) “State Responsibility for Warlike Acts of Armed Forces”, *International and Comparative Law Quarterly*, volume 40
- Gillard, E. (2006) ‘Business Goes to War: Private Military/security Companies and International Humanitarian Law’, *International Review of Red Cross*, Vol. 88, No. 863.
- Holmqvist, C., (2005) ‘Private Security Companies: The Case for Regulation’, Stockholm International Peace Research Institute, *Policy Paper No. 9*.
- ICTR, Prosecutor v. Jean-paulakayesu, (2001) judgment (appeals chamber), 1. International Convention against Mercenaries (1989).
- J. Tamayo, ‘Pentagon Contractors Playing Vital Military Support Roles’. Online Available at: <http://www.miami.com/mld/miamiherald/news/nation/5335374.htm>.
- Kai.Ambos, “Superior Responsibility”, in Antonio Cassese and et al, *the Rome statute of the ICC*.
- Kinsey, C., (2006) CORPORATE SOLDIERS AND INTERNATIONAL SECURITY: The rise of private military companies, Routledge, New York.
- Lilly, D., (2002) *Regulating Private Military Companies: The Need for a Multidimensional Approach*, London: International Alert.
- Lindsey Cameron., (2006) “Private Military Companies: their Status under International Humanitarian Law and its Impact on their Regulation”, *International Review of the Red Cross*, Volume 88.
- Montreux Document on Pertinent International Legal Obligations and Good (2008) Practices for States related to Operations of Private Military and Security Companies during Armed Conflict.
- Østensen, A., (2011) *UN Use of Private Military and Security Companies Practices and Policies*, The Geneva Centre for the Democratic Control of Armed Forces.
- Österdahl, I., (2010) ‘The Public-Private in Armed Conflict: The Accountability of Private Security Companies’, Uppsala Faculty of Law, *Working Paper*.
- PCIJ, (1949) the factory of Chorzow, 1927 & ICJ, corfu channel case.
- PALOU-LOVERDOS, J. (Dir.) and Armendáriz, L. (Author) , (2011) *The Privatization of Warfare, Violence and Private Military & Security Companies: A Factual and Legal Approach to Human Rights Abuses by PMSC in Iraq*.
- “Principles of Public International Law”, 6 edition, Oxford University Press.
- rygaet. C; (2008) “Litigating Abuses Committed by Private Military Company”, the *European Journal of International Law*, volume 1, No. 5 EJEIL.

- Shearer, D. (1998) 'Private Armies and Military Intervention', *Adelphi Paper* 316.
- Singer, P. (2004) 'The Private Military Industry and Iraq: What Have We Learned and Where to Next?', *DCAF, Policy Paper*.
- Walther, p., (2007) The Legal Status of Private Contractors under International Humanitarian Law, MA Dissertation, University of Copenhagen.
- Wolf, A., (2006) 'Modern Condottieri in Iraq: Privatizing War from the Perspective of International and Human Rights Law', *Indiana Journal of Global Legal Studies*, Volume 13, Issue 2.

